

مواد فروشی داماد و مادر زن در نازی آباد

خانواده‌ای که با همکاری یکدیگر اقدام به خرید و فروش مواد مخدر کرده بودند، توسط مأموران پلیس پایتخت دستگیر شدند. مدتی قبل مأموران کلانتری با دریافت خبرهای متعددی مبنی بر توزیع مواد روانگردان و مواد مخدر در یکی از محلات نازی آباد رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و متوجه شدند که گزارش‌های واصله صحت داشته است و توزیع این مواد مخدر توسط اعضای یک خانواده انجام می‌شود. با هماهنگی مقام قضایی، مأموران کلانتری نازی آباد روز گذشته به مخفیگاه متهمان اعزام شدند و در عملیاتی اعضای این خانواده سه نفره را دستگیر و به مقر انتظامی منتقل کردند.

در بازرسی‌های انجام شده دو کیلوگرم مخدر شیشه نیز کشف و ضبط شد. مواد مخدر از نسوی مادر، دختر و داماد خانواده توزیع می‌شد. این افراد خانهای دو طبقه را به محل فعالیت خود تبدیل کرده بودند و در یک طبقه زندگی و در طبقهای دیگر اقدام به توزیع مواد مخدر می‌کردند. به گفته سرهنگ دوستعلی جلیلیان، سر کلانتر هفتم پلیس پیشگیری پایتخت برای هر سه متهم دستگیر شده پرونده‌ای تشکیل شد و آنان به همراه پرونده و مواد مخدر کشف شده در اختیار پایگاه هفتم پلیس مبارزه با مواد مخدر قرار گرفتند.

اعلام دلیل تیر اندازی در چند نقطه از تهران

شهروند | شلیک ۶ تیر در طول مسیر تعقیب و گریز سارقان از بزرگراه شهید کاظمی تا خیابان جشنواره تهرانپارس علت تیراندازی‌های شامگاه پنجشنبه بود. شامگاه پنجشنبه مأموران پلیس آگاهی برای دستگیری ۶ عضو یک گروه از سارقان وارد عملیات شدند که این سارقان به محض مشاهده عوامل پلیس با یک دستگاه سواری پژو اقدام به فرار کردند که در پی آن تعقیب و گریز میان مأموران پلیس و متهمان آغاز شد. تعقیب و گریز میان پلیس و مأموران ادامه داشت تا این که در بزرگراه شهید کاظمی، راننده سواری پژو خودروی خود را به موتورسیکلت حامل سه نفر که از اعضای یک خانواده بودند، کوبید تا باین اقدام بتواند مأموران را پشت سر گذشته و متواری شود؛ اما در همین حین گشت‌های کمکی از نسوی پلیس نیز وارد عمل شده و یک گروه از مأموران مقدمات انتقال سه عضو این خانواده به بیمارستان رافراهم کرده و گروه‌های دیگری به تعقیب متهمان ادامه دادند. در جریان تعقیب و گریز، مأموران که بسای توجهی راننده خودروی پژو به دستور ایست پلیس رویه رو شدند، با رعایت قوانین بکارگیری سلاح اقدام به شلیک ۶ تیر در طول مسیر تعقیب و گریز کرده و سرانجام در محدوده چهارراه سیدالشهدا در خیابان جشنواره تهرانپارس اقدام به دستگیری این افراد کرده و آنان را به مقر انتظامی منتقل کردند. با انتقال این افراد، رسیدگی به پرونده‌شان در پلیس آگاهی تهران بزرگ در دستور کار قرار گرفت و آسیب‌رساندن به اعضای یک خانواده در جریان تعقیب و گریز بوی توجهی به فرمان پلیس نیز به جرایم‌شان افزوده شد. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس پایتخت با تأیید این خبر اعلام کرد که متهمان هم‌اکنون با دستور مقام قضایی در مقر پلیس آگاهی هستند و اعضای خانواده نیز در بیمارستان مراحل درمانی خود را طی می‌کنند.

سرق در پوشش کمک به سالمندان

شهروند | سارقی که به بهانه کمک به افراد مسن اقدام به سرقت از آنان می‌کرد، دستگیر شد. روز پنجشنبه پیرمرد و پیرزن به کلانتری مراجعه و اعلام کردند که در سالن رویه‌روی یکی از تعاونی‌ها نشسته بودند تا ساعت حرکت اتوبوس برسد. آنان با رسیدن ساعت حرکت، شروع به برداشتن سگ‌های خود کردند که فردی حدود سی و پنج تا چهل ساله به این خود نزدیک شد و قصد داشت تا در محل سگ‌ها به آنان کمک کند اما زمانی که این فرد از آنان دور شد، متوجه شدند کیف‌دستی‌شان که پول و گوشی تلفن همراه‌شان در آن بود به سرقت رفته است. با دریافت شکایت و این که سرق به تازگی اتفاق افتاده بود، مشخصات ظاهری متهم از مالباختگان اخذ و گشت‌های انتظامی هدفمند آغاز شد. در گشت‌زنی‌های انجام‌شده مأموران کلانتری ۲۰۹ پایانه غرب موفق شدند سارق را در حالی که مشغول تعویض لباس خود بود، شناسایی و دستگیر کنند. در بازرسی از متهم اموال مالباختگان شامل ۸۰۰ هزار تومان وجه نقد و گوشی همراه کشف شد. علاوه بر کشف اموال شاکیان در بازرسی از متهم دو دست لباس دیگر کشف شد و متهم در خصوص لباس‌های همراه خود توضیح داد که پس از سرقت برای جلوگیری از شناسایی شدن لباس خود را تعویض کرده است. متهم در بازجویی اولیه اعتراف کرد که پس از جداسدن از شاکیان و سرقت گوشی همراه و وجود نقد، ساک‌دستی مالباختگان را در سطل زبالهای در همان حوالی انداخته و بلافاصله به این محل مراجعه کرده است و در حال تعویض لباس خود بوده که دستگیر شده است. سرگرد سلیمانی مقدم، رئیس کلانتری پایانه غرب با اشاره به تشکیل پرونده برای دو متهم گفت: «این فرد پس از تشکیل پرونده برای ادامه روند رسیدگی به جرم و کشف دیگر جرایم احتمالی روانه دادرسی شد.»

موقعیت پناهگاه‌ها یا

گریزگاه‌های امن منطقه سکونت خود (مثلا پارک‌ها یا سوله‌ها) را برای مواقع بحرانی شناسایی کنید.



کشف ۲ مجسمه انسان در ارتفاعات دربند

پلیس کوهستان پایتخت در پی اطلاع مردمی، موفق به کشف دو مجسمه و مقادیری استخوان شد. سرهنگ احمد یادگاری، فرمانده پلیس کوهستان پایتخت در تشریح این خبر بیان داشت: «ساعت ۷ صبح روز پنجشنبه مأموران پلیس کوهستان در جریان کشف دو مجسمه انسان در ارتفاعات دربند قرار گرفتند. سرعیا مأموران تیم عملیات پلیس کوهستان به محل که در ارتفاع ۲۷۰۰ متری سطح دریا قرار داشت، به صورت پیاپی اعزام شدند.» وی افزود: «در محل دو مجسمه مربوط به انسان و مقادیری استخوان به همراه یک جفت کفش کوهپیمایی و در تجسس‌های بیشتر از محل یک عدد کارت شناسایی مربوط به مرد جوانی کشف شد.» این مقام انتظامی ادامه داد: «در بررسی سیستم‌های پلیسی مشخص شد کارت شناسایی متعلق به فردی کوهنورد است که خانواده‌اش ققدانی او را از مهرماه سال گذشته اعلام کرده بودند.»

گفت و گوی «شهروند» با مادر صادق بر مکی که توسط ۳ دوستش خفه شد و در آتش سوخت

من هم با پسرم سوختم!

حکم اعدام این ۳ قاتل با پرداخت توافقی دیه از سوی خانواده قربانی اجرا خواهد شد



شهروند | بیست و یک ماه پیش بود. تلخ‌ترین جنایت، مردم کشور بخصوص مهابادی‌ها را جریحه‌دار کرد. صادق بر مکی پسر جوانی بود که در آخرین روز از تابستان سال ۹۶ با نقشه بی‌رحمانه ۳ دوستش، قربانی جنایتی وحشتناک شد. پسر ۱۹ ساله‌ای که پس از ضربات ساپور و سنگ در حالی که هنوز نفس می‌کشید در شعله‌های آتش کشته شد. قاتلان بی‌رحم از این کار ترسناک‌شان فیلم هم گرفته بودند. فیلمی که راز این قتل هولناک را فاش کرد. ۳ دوست با دلایل و معمای نامعلوم صادق را کشتند و حالا با تأیید شدن حکم اعدام‌شان، مادر مقتول چشم انتظار اجرای حکم قاتلان پسرش است. حکمی که با جور شدن پول توافقی دیه به به اجرا در می‌آید. با این حال تنها تسکین دل این مادر داغ‌دیده گرفتن حق پسرش و اجرای حکم اعدام است. مادری که می‌گوید اجرای حکم تنها خواسته خودش نیست و خواسته تمام مردم مهاباد است. حالا تنها با قصاص این سه قاتل بی‌رحم است که مادر صادق می‌تواند کمی آرام شود. مادری که هنوز هم التماس‌های پسرش را در میان شعله‌های آتش می‌شنود و ضجه می‌زند. معصومه محمد امینی در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند»: از ۲۱ ماه زجر آور زندگی‌اش می‌گوید:

• چندسال دارید؟

۵۱ سال. ولی در این مدت به اندازه ۱۰۰ سال پیر شده‌ام.

• از آخرین باری که صادق را دیدید بگویید؟

روز ۳۱ شهریور سال ۹۶ بود. پسرم در رشته حسابداری درس می‌خواند و تازه کلاس‌هایش شروع می‌شد. من در مغازه خیاطی کار می‌کردم که صادق آمد پیشم. گفت دانیال که یکی از دوستانتش بود، برای رفتن به خارج میهمانی ترتیب داده است. صادق گفت که به این میهمانی می‌رود و زود بر می‌گردد. من هم به او گفتم اگر می‌توانی کمی زودتر برگرد که با هم به پیک‌نیک برویم. چون مردم در مهاباد معمولاً روز آخر تابستان را به پارک و جنگل می‌روند. آن روز هم پنجشنبه بود. صادق قول داد که زود برگردد. از من خداحافظی کرد و دیگر او را ندیدم.

• چطور متوجه جنایت شدید؟

آن شب وقتی پسرم به خانه برگشت نگران شدم. تلفتنش هم خاموش بود. از طریق تلگرام هم متوجه شدم که آخرین بار ساعت ۰۶:۱۱ دقیقه آنلاین بوده و دیگر آنلاین نشده است. فردای آن روز شوهرم همه جا را به دنبالش گشت، اما از صادق خبری نبود. به سراغ دوستانتش هم رفتم. آنها هم نبودند. تا این که شماره دانیال را گرفتم و با او قرار گذاشتم. وقتی به پارک رفتم کامیاب یکی دیگر از دوستان صادق هم پیش دانیال بود. او هم داشت سراغ صادق را می‌گرفت. دانیال مسارا فریب داد. می‌گفت یک هفته است که صادق را ندیده و سعی کرد با حرف‌های دروغ ما را از شکایت و انتشار آگهی منصرف کند. یک بار می‌گفت با دوستش رفته یک بار هم می‌گفت از مرز خارج شده است. یکی دو روز ما را با این حرف‌ها گول زد. تا این که جسد سوخته‌ای را پیدا کردند. آن موقع برادرم موضوع را دیدم. صادق را به آگاهی اطلاع داده بود. برای همین

برادرم بدون این که به من بگوید رفت و جسد را که کاملاً سوخته بود، شناسایی کرد. البته از من پرسید صادق آخرین بار چه چیزهایی همراهش بوده، من هم به کلید خانه‌مادر بزرگش اشاره کردم. آنها هم کلید را پیدا کردند و روی در خانه‌مادر بزرگ صادق امتحان کردند. وقتی دیدند کلید درست است مطمئن شدند که این جسد متعلق به صادق است. بعد از آن کم‌کم موضوع را به من و پدرش گفتند. وقتی شنیدم خیلی شوکه شدم. به تصادف پسرم فکر کرده بودم، ولی اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم که او را بی‌رحمانه کشته باشند.

• قاتلان را چطور شناسایی کردند؟

وقتی به من گفتند پسرم را کشته‌اند، من دانیال را به مأموران معرفی کردم. گفتم پسرم آخرین بار گفت که دانیال او را دعوت کرده و به خانه او می‌رود. برای همین او هم باید بگوید چه بلایی سر پسر من آمده است. دانیال را احضار کردند و او بازجویی شد. اما همان‌طور که مرا فریب داد مأموران را هم فریب داد و گفت که اصلاً صادق را ندیده‌ام. اما بعد از مدتی با پیدا شدن یکسری مدارک مجبور به اعتراف شد و ۳ همدستش را هم معرفی کرد.

• متهمان از این جنایت فیلم هم گرفته بودند، این فیلم چطور به دست پلیس رسید؟

همین فیلم باعث شد که قاتلان پسرم لو بروند. گویا دانیال زمانی که به پلیس آگاهی احضار می‌شود، فلشی را به یکی از دوستانتش که دوست صادق هم بوده، می‌دهد. به نیما می‌گوید این فلش فیلم‌های خانوادگی است و به هیچ عنوان آن را باز نکند. اما نیما از روی کنجکاوی آن را باز می‌کند و یک تکه از فیلم کشته شدن پسرم را می‌بیند. بعد از آن موضوع را به پدرش می‌گوید پدر نیما هم به عمو و دایی صادق اطلاع می‌دهد. در نهایت فلش به دست پلیس می‌رسد. از آنجایی که فیلم نصفه بود، پلیس فیلم کامل را ریکواری می‌کند و باز می‌گرداند. گویا دانیال فیلم کامل را از فلش پاک کرده بود. همین مسأله باعث می‌شود که دانیال اعتراف کند. بعد از آن هم همدستانش دستگیر شدند.

• شما خودتان فیلم را دیدید؟

نه، اصلاً نتوانستم ببینم. فقط یک تکه از آن را در اینستاگرام ۳ ماه بعد از مرگ پسرم دیدم که هنوز هم

صدای پسرم در گوشم است. به زبان کردی می‌گفت «آی دایان» یعنی مادر. پسرم مرا صدا کرده بود و من آن‌جا نبودم که نتاجش دهم. این فیلم دنیای مرا نابود کرد.

• متهمان در مورد قتل صادق چه اعترافاتی داشتند؟

هر بار یک موضوع را مطرح می‌کردند. الان که ۲۱ ماه می‌گذرد، چندین انگیزه در پرونده آنها ثبت شده؛ یک بار موضوع شیطان پرستی را مطرح کردند. یک بار هم گفتند به خاطر این که صادق با دختر مورد علاقه دانیال دوست شده، چنین بلایی را سرش آوردند. یک بار هم گفتند به خاطر درگیری قبلی که با صادق داشتند از او انتقام گرفتند. با این حال هیچ‌وقت دلیل محکمی برای این کارشان مطرح نکردند. آخرین بار هم فقط گفتند دلیلی برای این کار نداریم و شرمند ایم.

• این پرونده چهار متهم دارد که سه نفرشان قاتل هستند، نقش نفر چهارم در این جنایت چه بوده؟

او ساپور و وسایل قتل را به این ۳ نفر داده، اما هنگام قتل آنجا نبوده است. در حال حاضر ۳ قاتل یعنی دانیال، کمال و زین‌العابدین به اعدام محکوم شده‌اند. نفر چهارم هم به ۱۰ سال و یک روز زندان محکوم شده که شنیده‌ام همان اوایل در زندان چشم‌راستش را کور کرده‌اند.

• شما دختری که می‌گفتند به خاطر او چنین قتلی رخ داده را دیده‌اید؟

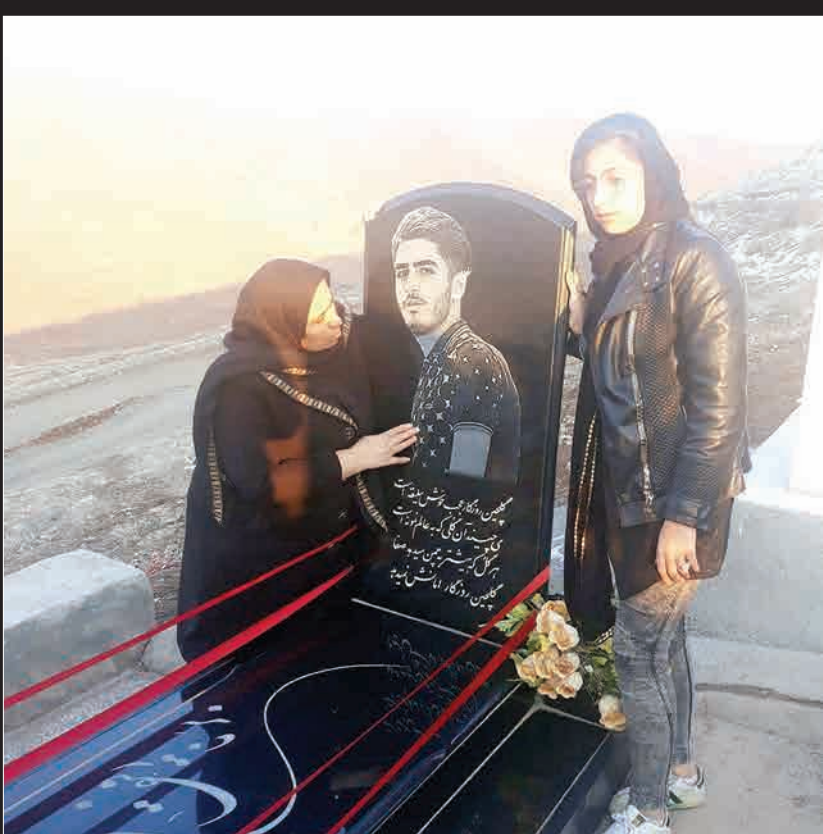
نه، من اصلاً دختری ندیدم. فقط یک بار دانیال گفته بود صادق با دختر مورد علاقه‌اش از تباط داشته است. آن دختر را به دادسرا احضار کردند و او هم گفت که هیچ ارتباطی با صادق نداشته است.

• شما قاتلان پسرتان را از قبل می‌شناختید؟

بیشتر دانیال را می‌شناختم. البته کمال و زین‌العابدین را هم می‌شناختم ولی خیلی کم. آنها همگی دوستان پسرم بودند.

• حکم اعدام چه زمانی اجرا می‌شود؟

زمانی که پول توافقی دیه را پرداخت کنیم. آنها ۳ نفرند، هر کدام نفری ۱۵۴ میلیون باید به خانواده‌های‌شان تعلق بگیرد. در حال حاضر با کمک مردم و خیرین ۱۵۴ میلیون یعنی پول یک نفر جور شده، اما دیگر پولی نداریم. از دادگاه تقاضا کردیم که بقیه این پول از صندوق بیت‌المال



پرداخت شود. فعلاً پرونده در دیوان عالی کشور است و قرار است به این درخواست ماریسدگی شود.

• فکر می‌کنید با اعدام این ۳ نفر حال تان بهتر می‌شود؟

می‌دانم که با کشتن این ۳ نفر صادق من دیگر بر نمی‌گردد. ولی حداقل حق پسرم را گرفته‌ام. خون پسرم که این‌طور بی‌رحمانه و وحشیانه کشته شد، پایمال نمی‌شود. می‌دانم که بعد از اجرای حکم حال بهتری خواهم داشت.

• پس اصلاً به رضایت فکر نکردید؟

نه، قصاص فقط خواسته من نیست. تمام مردم مهاباد خواستار قصاص هستند. مردمی که خیلی به ما ملحق کردند و سعی داشتند ما را تسکین دهند. اگر این مردم نبودند من هم زنده نبودم. حلالی دادم که آنها هم می‌خواهند هر چه زودتر این سه قاتل مجازات شوند. از طرف دیگر این سه نفر به طرز فجیعی پسرم را کشتند. پسرم زجر کشید و مرد. اگر پسرم نفس‌های آخرش را در بقل خود می‌کشید، شاید رضایت می‌دادم. اگر پسرم آن قدر بی‌رحمانه کشته نمی‌شد، شاید گذشت می‌کردم. اما این ۳ نفر هیچ راهی برای گذشت نگذاشته‌اند. چون بعد از این اتفاق من هم با پسرم سوختم. برای همین دوست دارم هر چه زودتر آنها اعدام شوند تا من و یک ملت آرام شوم.

• شما چند فرزند دیگر دارید؟

در حال حاضر فقط یک دختر ۱۴ ساله دارم. از وقتی برادرش فوت کرده تا همین الان افسرده شده و حوصله هیچ کس را ندارد. از وقتی که هم این اتفاق برای صادق افتاد اجازه نمی‌دهم دخترم محل تهمتی داشته باشد یا خودش همه دوستی‌ها بدم می‌آید. البته من و شوهرم هم افسرده‌ایم. هنوز صدای پسرم را می‌شنوم که در میان شعله‌های آتش زنده است و مرا صدا می‌زند. هر شب کابوس می‌بینم. اشک می‌ریزم. از وقتی پسرم مرد دیگر به خانه قبلی‌مان برنگشتم. فامیل‌ها و بستگانم خانه را عوض کردند و وسایل پسرم را هم به نیازمندان دادند. نمی‌توانستم در آن خانه بمانم. صادق پسر خوب من بود. من به عشق صادق زندگی می‌کردم و کلی نقشه برای آینده‌اش داشتم. هنوز هم نمی‌دانم آنها چطور چنین بی‌رحمانه پسرم را کشتند. یعنی دل‌شان برایش نسوخت. این حق ما نبود.

معاون دادستان گرگان در گفت‌وگو با «شهروند» از دستگیری شبانه ۳۰ زن و مرد خبر داد.

«یوگی» ها در گرگان بازداشت شدند

شد. این مرد از بومی‌های استان گلستان نیست و ظاهراً از تهران به قصد راه‌اندازی چنین کلاس‌هایی به گرگان نقل مکان کرده بود. این فرد در صفحه شخصی‌اش بخش‌هایی از آموزش‌های این ورزش را منتشر کرده بود و همین موضوع باعث جذب تعداد زیادی زن و مرد در سنین مختلف برای انجام این ورزش شده بود. او درباره علت بازداشت این افراد هم گفت: «این فرد مجوز باشگاه نداشت و کلاس‌های آموزش یوگا را در یک منزل مسکونی در گرگان برگزار می‌کرد. زنان و مردان در این منزل با پوشش نامناسب حاضر می‌شدند و رفتارهای ناپهنجاری داشتند.» به گفته معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادسرای عمومی و انقلاب گلستان، مأموران با رصد فعالیت‌ها و رفت‌وآمدها به این منزل مسکونی و پس از اطمینان از وقوع جرم در آن خانه روز پنجشنبه پس از اخذ مجوزهای قضایی لازم حدود ۳۰ زن و مرد که با پوشش بسیار نامناسب در این خانه مسکونی حضور داشتند را دستگیر کردند. همچنین برای شخص اصلی پرونده تشکیل و تحویل مراجع قضایی شده است.

چندسالی است که کلاس‌های یوگا در نقاط مختلف بر گزار می‌شود. ساگی، سکوت، راحتی و البته نحوه تمرین این ورزش، که نیاز به تجهیزات و فضای خاصی ندارد، باعث

شهروند | زن و مرد یوگا کار در گرگان دستگیر شدند. این افراد در خانهای که گفته می‌شود از نسوی یک مرد حدوداً ۴۰ ساله برای تمرین این ورزش اجاره شده است، بازداشت شدند. به گفته معاون دادستانی تبلیغات این کلاس مختلط از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته و همین موضوع هم دست آخر باعث شناسایی و دستگیری خاطیان شد. این حادثه پنجشنبه شب در گرگان رخ داده و برای همه آنها حکم بازداشت صادر شده است. ظاهراً این برای نخستین بار در شهر گرگان است که چنین حادثه‌ای رخ می‌دهد. خبر دستگیری بیش از ۳۰ زن و مرد را که پنجشنبه شب به طرز غیر معمولی در یک خانه برای تمرین یوگا دور هم جمع شده بودند را مسعود سلیمانی معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادسرای عمومی و انقلاب مرکز گلستان اعلام کرد. به گفته او، این افراد با پوشش نامناسب به بهانه آموزش یوگا در یک منزل مسکونی در گرگان جمع شده بودند. خانهای که ظاهراً از سوی یک مرد ۴۰ ساله اجاره شده بود، تا محلی باشد برای انجام تمرینات یوگا. مسعود سلیمانی در توضیح بیشتر به «شهروند» می‌گوید: «فردی در فضای مجازی آگهی آموزش یوگا به زنان و مردان در منزل مسکونی خود را منتشر کرده بود که از همین طریق موفق به برقراری ارتباط با یکسری از افراد



شده تا کلاس‌های آموزشی متعددی در این زمینه برگزار شود. کلاس‌های آموزشی که البته در برخی از موارد به دلیل نبود نظارت دقیق مشکلاتی را هم برای شرکت‌کنندگان و حتی برگزار کنندگان در پی داشته است. هر چند ورزش یوگا در ایران فدراسیون مستقلی ندارد، اما صدور مجوز برای تأسیس محل تمرین و اجازه مربیگری برای این رشته بر طرفدار از سوی انجمن یوگای ایران که زیر نظر فدراسیون ورزش‌های همگانی است، انجام می‌شود.